

" بسمه تعالی "

دانشجویان ممتاز من

(بر گرفته از وبلاگ دکتر مجید زارع: <http://drmajidzare.blogfa.com>)

شما یک دانشجوی ممتاز را با چه ویژگی هایی می شناسید؟

آیا مایلید که لیست بلند و بالایی از صفات خیلی خوب، همچون راستگویی، اجرای قانون، حسن خلق، رعایت نظم، ورزشکاری و ... را ردیف کنیم و آنها را مبنای امتیاز او قرار دهیم؟ قطعاً خیر، زیرا این صفات خوب از همگان مورد انتظار است و اساساً از شاخصه های حرفه ای دانشجویی نیست.

بی تردید قرار است دانشجویان در دوران تحصیل خود برای پذیرش مسئولیت های شغلی و اجتماعی در فردای زندگی آماده گردند. پس هر چقدر دانشجویی برای این مسئولیت ها آماده تر شده باشد، ممتاز تر است.

من در طول سال ها تجربه آموزشی - پژوهشی و تعاملات گسترده با دانشجویان، به عینه دریافته ام که داشتن سه ویژگی، یک دانشجو را در آینده حرفه ای و اجتماعی خود از گروه همسالان و همکلاسان موفقتر و متمایزتر می سازد:

۱. دانش و تبحر علمی و فنی در رشته تخصصی خود

این مبنایی ترین انتظار است که اجتماع از یک فارغ التحصیل دانشگاه دارد. کدام مدیر از ورود یک کارشناس کم سواد یا بی سواد به مجموعه خود استقبال می کند؟! ضرورت تسلط علمی چنان حقیقت آشکار است که توضیح بیشتری نمی طلبد.

۲. توان نقد، تحلیل، پژوهش و نوآوری

دانشجوی ممتاز یاد گرفته است که چطور داده های خامی که در اختیار دارد را پردازش کند، یافته ها و مشاهدات خود را تجزیه و تحلیل نماید. اگر ضرورت پیدا کند بتواند بر مبنای علمی دیدگاه ها یا عملکردها را به نقد بکشد. او آموخته است که با مشاهده فرآیندهای موجود، برای اجرای بهتر یا جایگزینی آنها ایده های جدید مطرح سازد و امکان عملیاتی شدن آنها را بیازماید. او عادت کرده است که بدنبال فراگیری حقایق علمی، فرضیات یا سوالات علمی جدیدی مطرح کند و بدنبال پاسخ آنها باشد. این روزها دیگر بسیار بعید است که دانشجویی ممتاز باشد اما هنوز یک کار علمی - پژوهشی را به انجام نرسانده و نتایج آن را در قالب یک مقاله در مجله ای علمی انتشار نداده باشد!

۳. قدرت برقراری ارتباط درست و انجام تعاملات با دیگران

دانشجوی ممتاز قادر به برقراری ارتباط درست و سالم با دنیای اطراف خود است. او می تواند ایده ها یا نظرات خود را به راحتی با همکلاسیان، با اساتید، با مخاطبانی در گوشه و کنار کشور و یا حتی با کسانی در آن سوی اقیانوس آرام در میان بگذارد. دانشجوی ممتاز ابزار مورد نیاز برای ایجاد ارتباطات و تعاملات درست را در خود پرورانده است. در دهکده جهانی امروز، او به همان اندازه که در برقراری ارتباطات چهره به چهره موفق است، در بکارگیری فضای مجازی برای این هدف تواناست. او به همان سهولت که ممکن است شفاها گفتار استادش را نقد کند و یا کتبا نامه ای اداری برای یک درخواست منطقی به رئیس دانشکده اش بنویسد، می تواند از ایمیل، فروم های گفتگو، وبلاگها و دیگر فضاهای مجازی برای طرح سوال علمیش، بیان دیدگاهش و یا انتشار یافته های پژوهشی اش مدد بگیرد.

او به کاربرد نرم افزارهای رایج مسلط است. نه تنها می تواند از نرم افزارهایی همچون آفیس برای ثبت، آنالیز و ارائه آمار و احیاناً گزارش تحلیلی خود بهره گیرد، بلکه قادر است در صورت ضرورت دانش و یا گزارش خود را در قالب کلیپ هایی چند رسانه ای به همکلاسیان، اساتید و یا مخاطبانی در فضای مجازی عرضه کند. پر واضح است که چنین دانشجویی برای نیل به این نوع تعاملات، در استفاده از تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات (Information & Communication Technology/ICT) و نیز زبان انگلیسی بخوبی مهارت یافته است.

گاه برخی دانشجویان در دوران دانشجویی خود چنان ملغمه ای از این سه عنصر اصلی را بهم می آمیزند که جایگاه آنان را در تعاملات دانشگاهی، عملاً و نانوشته به حد یک همکار ارزشمند اساتید ارتقا می دهد. من به داشتن چنین دانشجویانی می بالم، زیرا دیده ام که چگونه این دانشجویان می توانند با مشارکت های علمی، حرفه ای و یا فکری خود آغازگر طرح های نو در محیط اطراف شان (اعم از محیط آموزشی، پژوهشی و اجتماعی) باشند. اینان به ویژه از این نظر ممتازند که توانسته اند از همان دوران دانشجویی، زندگی حرفه ای خود را آغاز کنند و به درستی بر اجتماع تاثیرگذار و صاحب نقش باشند. این دانشجویان را باید عزیز داشت، به توانایی هایشان اعتماد کرد و اندیشه هایشان را بال و پر داد. اینان به حقیقت از ابزارهای اصلی در موفقیت اساتید و در بسیاری موارد از مولفه های ارتقای دانشگاهند.